

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۳۴۸

توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شرق

روزنامه

شنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۴ • ۱۸ شعبان ۱۴۴۷ • ۷ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۲۲۲ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۷ • اذان صبح فردا ۵:۳۴ • طلوع آفتاب ۶:۵۹



ساحل بندر اتزلی یکی از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین مناطق گردشگری و پرندگبری شمال کشور، این روزها شاهد صحنه‌ای تلخ و نگران‌کننده است؛ مرگ دسته‌جمعی پرندگان دریایی باکalan که نگرانی فعالان محیط زیست و دوستداران حیات وحش را برانگیخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد این تلفات ناشی از شیوع بیماری یا آلودگی نبوده و علت اصلی مرگ این پرندگان گرفتارشدن در تورهای صیادی است. عکس: فاطمه هادی‌پور، ایستا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
aparat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

جوانان چه می‌خواهند و چه باید کرد؟



قادر باستانی‌تبریزی

روز خوبی می‌زد؛ «کسی که ماشینش را در سرازیری تُنْد پارک می‌کند، باید بداند که با یک تلنکر، سرازیر خواهد شد». وقتی بسترهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، سال‌هاست مستعد سقوط جامعه شده، دیگر نمی‌توان نقش عامل بیرونی را بهانه اصلی دانست. دشمن در چنین شرایطی کار خارق‌العاده‌ای نمی‌کند، فقط در زمینی بازی می‌کند که پیش‌تر مهیا شده است. برخلاف تصور رایج، بسیاری از این جوانان اساسا سیاسی نیستند و اهل بحث ایدئولوژیک هم نیستند. نگران خشونت علیه اموال عمومی یا حتی هواداران حکومت نیستند و متأسفانه برخی حتی نگران تمامیت ایران هم نیستند و سادهدلانه به مداخله خارجی امید بسته‌اند. این نگاه خطرناک است، اما محکوم‌کردن یا تحقیر این جوانان، مشکلی را حل نمی‌کند. باید پرسید آنها چگونه به این نقطه رسیده‌اند.

در گفت‌وگوهایی که با بخشی از جوانان خشمگین داشتم، چند علت را برجسته یافتم. اولین ریشه عمیق خشم آنها، بی‌افقی و انسداد امید است. انسان معمولا اهل حساب‌و‌کتاب است. تا وقتی روزنه‌ای برای اصلاح وجود

سبزخوانی

سیاست در ساعت گرگ‌ومیش



سعیدنبی

مستندساز

شکل می‌دهند و زمان را به ابزار قدرت بدل می‌کنند. پیام‌ها مستقیم منتقل نمی‌شوند، همان چیزی که نظریه جریان محدود نشان می‌دهد، پیام‌ها توسط شبکه‌ها و نخبگان تعبیر می‌شوند و افکار عمومی در تعلیق مدیریت می‌شود؛ درست‌مثل زمین که هنوز نفس می‌کشد اما هر حرکت می‌تواند پیامد نامعلومی به بار آورد.

این تعلیق و ابهام، به سیاست و دیپلماسی عمومی هم سرایت می‌کند. کشورها با قدرت نرم و سیگنال‌دهی استراتژیک حرکت می‌کنند بدون آنکه زمان یا نتیجه را آشکار کنند؛ همان چیزی که نظریه «ابهام استراتژیک» توضیح می‌دهد. در ادبیات دانشگاهی، این مفهوم به‌طور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته است. پژوهش‌های دانشگاه‌هایی نظیر دانشگاه هاروارد نشان می‌دهند این استراتژی نه‌تنها یک ابزار برای حفظ انعطاف‌پذیری است، بلکه به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهد در شرایط پرهیام و بحران‌ها از تشدید فوری خطرات جلوگیری کنند. این وضعیت مشابه لحظه «گرگ‌ومیش» است که در آن قطعیته‌ها از بین می‌روند و تصمیمات به تعویق می‌افتند، در حالی که زمان همچنان عامل قدرت است.

مذاکره در شرایط گرگ‌ومیش بیشتر از هر چیزی به مدیریت انتظار و حفظ فرصت و انعطاف بستگی دارد و هر تصمیمی، حتی به تعویق افتاده، در شبکه‌ای از پیامدهای سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی ریشه می‌دواند. در بستر جامعه‌شناسی، این وضعیت با جامعه ریسک (جامعه خطر) اخراج شدند. همخوانی دارد. بحران‌ها و فرسایش منابع، محصول تعلیق و تأخیر سازمان یافته‌اند؛ جایی که همه از مخاطرات آگاه‌اند اما اقدام مؤثر مدام

در برخی دوره‌ها، پیامدها با صدا یا اعلان آشکار ظاهر نمی‌شوند؛ با رنگ‌هایی پنهان و اثرگذار شناخته می‌شوند. لکه‌هایی که نه پاک می‌شوند و نه همیشه دیده می‌شوند، اما مسیر را تغییر می‌دهند و جای خود را روی زمین و ذهن‌ها باقی می‌گذارند تا لحظه‌ای مانند گرگ‌ومیش قابل فهم شود. لحظه‌ای میان شب و روز که مرزها محو شده، دید کاش می‌یابد و هر حرکت، چه کوچک و چه بزرگ، می‌تواند پیامد غیرمنتظره‌ای به همراه داشته باشد. این لحظه کوتاه اگرچه در طبیعت گذراست، در سیاست گاهی به اقامت طولانی بدل می‌شود؛ اقامتی که پیامدهایش نه یکباره، بلکه دره‌دره آشکار می‌شود و سرمایه‌های واقعی را فرسوده می‌کند.

در تاریخ سیاست، این لحظات حساس و بحرانی بارها تکرار شده‌اند. همان لحظاتی که هنری کیسینجر درباره‌شان می‌گوید: «ما مطمئنا با موقعیت‌هایی بسیار مبهم مواجه خواهیم شد. وقتی این وضعیت‌ها رخ دادند، باید اراده عمل‌کردن و پذیرش ریسک در شرایطی را داشته باشیم که فقط می‌توان میان بد و بدتر انتخاب کرد».

موافقت یا مخالفت با مذاکره در چنین شرایطی پریشی صرفا سیاسی نیست، بلکه پریشی است معلق در مرز تصمیم و تعلیق؛ جایی که دیپلماسی، رسانه، جامعه و طبیعت هم‌زمان نفس می‌کشند و هیچ‌کدام نمی‌توانند پیشروی قطعی کنند. اصطلاح «گرگ‌ومیش مذاکرات» در ظاهر وضعیتی مبهم در سیاست خارجی را نشان می‌دهد، اما ریشه آن پیش از آنکه سیاسی باشد، در تجربه‌ای کاملا زیست‌محیطی نهفته است. لحظه‌ای که دید کاش می‌یابد، مرزها محو می‌شوند و احتمال خطا افزایش پیدا می‌کند و سیاست، وقتی این واژه را به‌کار می‌برد، عملا منطق طبیعت را وام می‌گیرد؛ منطق کوتاه و هشداردهنده‌ای که اغلب در تحلیل‌های رسمی نادیده گرفته می‌شود.

رسانه‌ها در این فضای گرگ‌ومیش نقش حیاتی دارند. آنها نه صرفا بازتاب‌دهنده اخبار، بلکه مدیران ابهام و انتظار هستند. با چارچوب‌بندی و تعیین دستورکار، افکار عمومی در یک حالت تعلیق قرار می‌گیرد؛ جایی که خبر هست اما قطعیت نیست. تش هست اما متناقض هنوز شکل نگرفته است و تصویرسازی‌های محیط‌زیستی، همان گرگ‌ومیش، برداشت‌ها را

سریع‌خوانی

اخبار لحظه به لحظه

از ۲۴ ساعت قبل

آیدین سیار سریع

شنبه ۱۸ بهمن را در حالی شروع می‌کنیم که دور اول مذاکرات در عمان تمام شده است. البته موقعی که ما این ستون را می‌نویسیم مذاکرات تازه شروع شده و عراقچی و ویتکاف به صورت غیرمستقیم و به شیوه «برو بهش بگو» خواسته‌های خودشان را مطرح می‌کنند. چهار ساعت قبل از مذاکره خبری آمد که سفارت مجازی آمریکا از شهروندان آمریکایی خواسته خیلی سریع ایران را ترک کنند. اینکه شهروند آمریکایی در این موقعیت در ایران چه کار می‌کند به کنار، نکته جالب این است که مذاکرات که قبلا به عنوان عامل بازدارنده و یکی از روش‌های دورکردن خطر مطرح می‌شود الان در حدی خطرناک شده که بایانه می‌دهند که شهروندان ما ایران را ترک کنند. از خلال خواندن تحلیل‌های دو طرف می‌شود پی برد که حداقل تحلیلگران آمیدی به نتیجه مذاکرات ندارند و می‌گویند وقت ملت را نگیرید و بروید سر اصل مطلب. با این حال خبرنگار صداسویما گزارش داده که دو طرف مذاکره جدی هستند و می‌خواهند مذاکره را به نتیجه برسانند. ادعاهایی مطرح شده که فرمانده ستکام هم در جلسه مذاکره حضور دارد که دلایل بر ما پوشیده است. از آن پوشیده‌تر، حضور داماد ترامپ در کنار ویتکاف است که سمت خاصی ندارد اما چون پولدار است و مرتبط با تحت فشار قراردهندگان ترامپ گفته‌اند تو هم برو که یک وقت وسط مذاکره، ناغافل عکس و فیلم رئیس‌جمهور مملکت درنیابد.

تحلیلگران اقتصاد سیاسی سعی می‌کنند با توجه به بالا و پایین شدن قیمت‌های آینده را بیش‌بینی کنند اما بندگان خدا هرچه بیشتر بررسی می‌کنند، آینده بیشتر برایشان نامعلوم می‌شود. در حال حاضر بیت‌کوین رخته، طلا رفته بالا و نفت کمی پایین آمده… ما که فقط ریسال داریم (در واقع چیزی برای ازدست‌دادن نداریم) مثل آن میم معروف، یک ور لی مرد داده‌ایم بالای تپه و درحالی‌که سیکار می‌کشیم جنگ ارزها را رصد می‌کنیم و فاز بیوده‌ه متاز که مقصد خاک است برداشته‌ایم. رسانه‌ها در حین مذاکره در یک مسابقه عجیبی با هم به سر می‌برند که کدامشان بهتر روند مذاکرات را پوششش می‌دهند. مخاطب که تشنه خبر جدید است کانال خبری را باز می‌کند و می‌بیند نوشته «فوری فوری» وزیر خارجه عمان در را باز کرد و از اتاق رفت بیرون»، «فوری» ویتکاف روی میل نشسته است»، «همین الان از مسقط» مذاکرات در جریان است». در کنار این اخبار لحظه‌ای، بازار گمانه‌زنی و تحلیل هم داغ است و منابع آگاه وقت سر خاراندن ندارند. در این لحظه که شما ستون را می‌خوانید خیلی از اخبار بیرون آمده و شاید تکلیف خیلی از مسائل روشن شده باشد. لطفا اگر خبردار شدید به ما هم اطلاع دهید!

خبرخوانی

بیت‌کوین وهشدار جنگ؟

آیا کاهش قیمت بیت‌کوین نشانه آغاز یک جنگ است یا دوران اطمینان به رمزارزها به پایان رسیده است؟ چرا قیمت بیت‌کوین در کمتر از ۴۸ ساعت حدود ۱۰ هزار کاهش یافت؟ ارزش بیت‌کوین به کمتر از ۶۵ هزار دلار رسید. حالا با کاهش بیش از ۴۵درصدی قیمت بیت‌کوین، چه اتفاقی در حال رخ‌دادن است؟ بلمویرگ گزارش داده با این سقوط قیمت بیت‌کوین، سهام شرکت‌های دارای خزانه دیجیتال کاهش یافت. برخی معتقدن سخنان ترامپ درباره ایران، ناپسانمانی‌هایی در بازار به وجود آورده است. سهامداران عمده به فروش آن اقدام کرده‌اند و سبب وحشت فروش و نقدینگی بازار اهرمی لیکوئید شده و مشتری‌های خرد نیز در حال ترک بازار هستند. این اتفاق پیش‌تر در زمان آغاز جنگ اوکراین و روسیه هم رخ داد. یکی از دلایل اینکه قیمت بیت‌کوین برخلاف تصور کاهش یافته، این است که هنوز برخی معتقدند جزء سرمایه‌گذاری‌های مطمئن مانند طلا نیست. اگر این روند ادامه پیدا کند، قیمت بیت‌کوین پایین‌تر هم خواهد آمد.

یادداشت

ایران میراثی است

که باید نگهبانش باشیم

نویدمچیدی

روزنامه‌نگاروتخلیلگر

میهن‌مان ایران، تاریخ پرفرازونشیبی از سر گذارنده و در چند سال اخیر نیز از این قاعده برکنار نبوده است؛ به‌ویژه در دل اعتراضات شکل‌گرفته در این سال‌ها، رخداد‌های تلخی را نظاره‌گر بوده‌ایم. اکنون نیز در هفته‌ها و ماه‌های پر از آشوب و اضطرابی به سر می‌بریم. از آن‌رو پراضطراب که کبان میهن با خطر جنگ روبه‌روست. این یادداشت قصد پرداختن به تحلیل‌های این جناح و آن جناح را ندارد؛ هم‌از این جهت که نگارنده در همه این سال‌ها از این‌گونه دسته‌بندی‌ها و تعلقات گروهی دور بوده و هم از آن نظر که اکنون جای درستی برای تکرار نظرها یا بیان سخنی تازه نیست و بسیاری از گفتنی‌ها را در سال‌های اخیر دلسوزان ایران دوست و کارشناسان امر گفته و نوشته‌اند و هرکس به سهم خویش، ادای وظیفه کرده است. تنها محور بنیادین یادداشت، «ایران» است و بس؛ همان‌گونه‌که در روزهای نبرد با اسرائیل نیز محور یادداشت‌هایم همین بوده است.

در میانه پرآوردها وتحلیل‌های گوناگون و جدا از اطلاعات و ضد اطلاعات موجود در فضای رسانه‌ها یا در میان عموم مردم، آنچه‌ناید از نظر دور داشت و فراموش کرد، «ایران» است. ایران تنها میراث ارلی و ابدی ملت ایران و پرچم هویت و شرف هر ایرانی است و اگر نگوییم برای همه ملت ایران این‌گونه است، برای عمده ملت، حتما همین‌گونه است. از این‌رو باید نیک متوجه باشیم که سراسر جغرافیای این سرزمین، متعلق به یکایک ملت ایران و ملک مشترک ایرانیان است. درک این مطلب که روایت شاهنامه از گورذر، پهلوانی از باختر ایران، هم‌سگ با روایت شاهنامه از آذرآبادگان است یا اینکه رستم، بی سیاستی، تنها متعلق به بخش‌های خاوری ایران نیست بلکه -در پیوند با روایتی کلان با دیگر روایات- نماد پهلوانی و اسطوره همه ایرانیان است، حتما یادآور این است که هرکدام از این روایات تاریخی-اسطوره‌ای، بدون دیگری بی‌معنا و ناتمام بوده و نه‌تنها در شاهنامه، بلکه در دیگر سرچشمه‌ها و منابع میراثی و فرهنگی ایران نیز چنین است. ردبای میراث ادبی، آیینی و رسوم عمدتا مشترک ایرانیان را باید در جای‌جای میهن جست و همین مفاهیم، ستون‌های «فرهنگ ملی» ما ایرانیان را در درازای تاریخ برپا کرده است. ایرانیان را نمی‌توان با خشکی از یکدیگر جدا و هر تیره از آنان را تنها متعلق به ناحیه‌ای ویژه و بلوکی معین کرد. «ایران» اگرچه همچون فرش‌ی با نقش‌ونگارهای گوناگون است، اما این نقش‌های کنار هم و به‌هم‌پیوسته، حاوی یک روایت کلان و کهن از پیدایش ملتی است که عمری هزاران‌ساله دارد.

بنابراین، جدا از هر نوع سرنوشت سیاسی برای آینده میهن، آنچه باید فاصل مشترک همه ما باشد، نگهداری و حراست از این کهن‌گوهر و یکپارچگی و همگونی هویتی کلان است. نباید در میان نسخه‌پیچی‌ها و تحلیل‌های گوناگون و گاه فریبنده غرق شد و این نکته مهم را فراموش کرد. اگرچه در فضای ملتهب، رنج‌آلود یا خشم‌آلود، ممکن است توجه به امور ملی و بنیادین اجتماعی در حاشیه‌قرار گیرند، اما وظیفه نخبگان، تحلیلگران نیک‌نهاد، روشنگران و نیز آن عده از عموم مردم که با تسلط بر خویشتن و آگاهی و پرهیز از جوزدگی می‌توانند بر اطرافیان‌شان تأثیرگذار باشند -حتی با سهمی کوچک- این است که در این زمینه بگویند و درباره آگاهسازی افراد نیست به جایگاه والای «میهن» اگرچه در جمعی کوچک باشد، اقدام کنند. این تنها چیزی است که به گمانم در این برهه و پیچ حساس و تاریخی باید به آن همت گمارد و با بازگویی ریشه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی مشترک و با چنگ‌زدن به این ریمان‌ها، نسبت به پاسداری از آنها و دورنشدن از بنیان‌های «زیست ایرانی» تلاش کرد. کنشگر واقعی، با همین سطح از آگاهی و تلاش و فداکاری، می‌تواند نقش کلیدی و کارساز خود و رسلانش را در راه میهن ایفا کند. هدف نگارنده، نوشتن یادداشتی احساسی و رمانتیک نیست، زیرا هیچ تحلیلگری نباید چنین رویکردی داشته باشد، اما در زمانه‌ای که کوش‌ها و چشم‌ها سنگین بودند و نسبت به گوش‌زدهای کارشناسان و صاحبان قلم دل و دماغی برای نوشتن مطلب یا سخن‌چنان و استادان گرایشی برای سخنرانی ندارند، تنها دستاویزی که برای ما باقی مانده آرزوکردن و دست‌بردن به دعاست. امیدوارم سایه

جنگ، شومی و تخریب از سر «ایران ارجمند» دور شود و کارکزار خود و خردمخور و عقلائی، همچون معجزه‌های سپید، از آستین بیرون آید و چنان بلای خاتمان‌سوزی را از ما برگرداند و روشنی بر آسمان ایران‌زمین بتابد.

۲
روز
ایلتا: کارگران یکی از پالایشگاه‌های عسلویه در مجموعه پارس جنوبی، دو روز دست از کار کشیدند. این اقدام اعتراضی در واکنش به آنچه کارگران «دستکاری در اضافه‌کاری‌ها و حذف بخشی از حقوق مربوط به ساعات اضافه‌کار» عنوان می‌کنند، انجام شده است. ازدحام جمعیت در خوابگاه‌ها، کمبود فضای استراحت و خستگی ناشی از ساعات کاری و اضافه‌کاری، شرایط دشواری را برای کارگران ایجاد و همین موضوع نارضایتی‌ها را تشدید کرده است. آنان خواستار بازگرداندن کامل اضافه‌کاری‌های حذف‌شده، شفاف‌سازی در محاسبه حقوق و بهبود فوری وضعیت خوابگاه‌های کارگری هستند.

۳۰۰
روزنامه‌نگار
واشنگتن‌پست ۳۰۰ روزنامه‌نگار از جمع ۸۰۰ روزنامه‌نگار فعال در این روزنامه را اخراج می‌کند. این اخراج‌های گسترده در تمام بخش‌های روزنامه، در بویحه اتحاد رو به رشد بین جف بزوس، بنیان‌گذار آمازون و ترامپ رخ داده است. این تغییر ساختار با هدف اصلاح روزنامه‌ای «از دورانی دیگر» انجام می‌شود و قرار است آینده آن را «تضمین» کند. او گفت این کار «دشوار اما ضروری» است. شمار زیادی از خبرنگاران خارجی از جمله همه کسانی که خاورمیانه یا حتی جنگ اوکراین را پوشش می‌دادند، اخراج شدند. بخش‌های ورزشی، کتاب، یادکست، اخبار محلی و گرافیک نیز به طور ویژه تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و برخی حتی تقریبا به طور کامل حذف شده‌اند.

۳۲۳
میلیون روبل
یک قطعه شهاب‌سنگ به وزن بیش از ۲.۵ تن از روسیه به بریتانیا پیش از قاچاق، کشف شد. این قطعه بزرگی از شهاب‌سنگ آهنی آلتای است که تقریبا ۳۲۳ میلیون روبل ارزش دارد و قدمت آن به میلیارد سال قبل بازمی‌گردد. این شهاب‌سنگ از یکی از کشورهای اتحادیه اقتصادی اوراسیا (EAEU) به روسیه وارد شده است. آلتای اولین بار در سال ۱۸۹۸ در چین و در استان سین‌کیانگ کشف شد. این قطعه، قطعه‌ای از هسته یک پیش‌سیاره باستانی یا یک سیارک بزرگ است که تقریبا ۴.۵ میلیارد سال پیش در جریان تشکیل منظومه شمسی از هم پاشیده است. شهاب‌سنگ‌ها علاوه بر اکتشافات علمی، طرفداران بسیاری دارند و پیش از این در تابستان امسال یک قطعه شهاب‌سنگ از مریخ با قیمت ۵.۳ میلیون دلار فروخته شده بود.